



همان گونه که می دانیم، قوانین برای دستیابی به هدفهای جمعی وضع می شوند و نقش آنها جلوگیری از هرج و مرج و تنظیم روابط بین اقشار جامعه، جامعه با دولت و روابط حاکم بر بدنه دولت است. در این میان، قانون مالیاتهای مستقیم نیز تنظیم کننده روابط مالی و تعیین کننده سهم دولت از درآمد آحاد ملت است.

مالیات در واقع بخشی از درآمد اشخاص است که بابت خدمات و امکانات عمومی که دولت برای تسهیل در کسب درآمد مزبور ارائه می کند، از سوی دریافت کننده خدمات به دولت پرداخت می شود. در ایران مباحث گوناگونی در خصوص روشهای نوین دریافت مالیات، از سوی مراجع مختلف مطرح شده است (مانند مالیات بر مصرف)، اما در واقع آنچه به عنوان روش مورد پذیرش قانونگذار تاکنون از سوی دولت به مورد اجرا گذاشته شده، مالیات بر درآمد است.

قوانین موجود در خصوص اشخاص حقوقی (شرکتها) دچار دوگانگی یا بعضاً چندگانگی شده است؛ یعنی تکلیف مودی مشخص نیست. آیا مالیات بر سود حاصل و بانرخ مندرج در ماده ۱۰۵ معادل ۲۵ درصد سود خالص است؟ اگر چنین است پس تکلیف مواد ۱۰۴ و ۵۳ قانون مالیاتهای مستقیم و همچنین تبصره های قانون بودجه چه می شود؟

همان گونه که می دانیم، صراحت مندرج در ماده ۱۰۵ حاکی از اجرای روش مالیات بر سود است. تعریف سود نیز طبق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، درآمد سال پس از کسر کلیه هزینه ها و استهلاکات است.

به این ترتیب اگر درآمد سالانه یک شرکت پیمانکاری دولتی که از بودجه مصوب سازمان مدیریت و برنامه ریزی استفاده می کند، ۱۰۰ ریال فرض شود، به طور عادی هزینه ها و استهلاکات بررسی و تصویب شده آن ۹۸ ریال و سود بودجه شده آن ۲ ریال یعنی ۲ درصد درآمد خواهد بود که در طی سال براساس قوانین و مصوبات موجود، مکلف به پرداخت مالیات آن به روشهای زیر خواهد بود:

۱- مطابق بند «ب» تبصره یک قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کلیه شرکتهای دولتی و بانکها و موسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت مکلفند ماهانه $\frac{1}{11}$ مالیات بودجه شده سال را به عنوان علی الحساب مالیات بر عملکرد به سازمان امور مالیاتی کشور پرداخت کنند.

۲- مطابق بند «ج» تبصره یک قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کلیه شرکتهای

نقدی بر ماده ۱۰۴ قانون مالیاتهای مستقیم و قوانین موازی با آن در ارتباط با شرکتهای دولتی



علیرضا صفایی

قانون مالیاتهای مستقیم تنظیم کننده روابط مالی و تعیین کننده سهم دولت از درآمد آحاد ملت است

دولتی که نام آنها در پیوست شماره ۲ قانون مورد اشاره آمده است، از جمله شرکتهای دولتی موضوع ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین بانکها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت و شرکتهای بیمه دولتی به استثنای سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تامین خدمات درمانی نیروهای مسلح موظفند حداقل ۴۰ درصد از سود حاصل را در سال ۱۳۸۴ به حساب درآمد عمومی واریز کنند.

۳- همچنین مطابق ماده ۱۰۴ قانون مالیاتهای مستقیم وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، شهرداریها، موسسات وابسته به دولت و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی و اشخاص موضوع بند «الف» ماده ۹۵ این قانون مکلفند در هر مورد که بابت حق الزحمه امور مندرج در قانون مذکور، از وجوهی که به هر عنوان پرداخت می‌کنند ۵ درصد آن را به عنوان علی‌الحساب مالیات کسر و به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز و رسید آنرا به مودی تسلیم نمایند.

حال با توجه به شرایط توصیف شده، سودی که مورد بررسی و تصویب مسئولان سازمان محترم مدیریت و برنامه ریزی کشور قرار گرفته، حدود ۲ درصد درآمد سال است که مالیات متعلقه نیز تماماً براساس روش مطرح شده در ردیف یک بطور $\frac{1}{11}$ و ماهانه پرداخت می‌شود و همچنین در خصوص ۵ درصد مالیات موضوع ماده ۱۰۴ که بدون امعان نظر به موضوع بالا، شرکتهای طرف قرارداد ملزم به کسر و پرداخت آن هستند، در واقع شرایط به گونه‌ای است که پرداخت مورد اشاره در خصوص شرکتهای دولتی که مشمول هر ۳ قانون مزبور می‌شوند، به طور مضاعف و مکرر انجام شده و به دنبال آن لزوم طرح و پیگیری استرداد اضافه‌مبالغ پرداختی، پس از صدور برگ قطعی مالیات از سوی مقامهای مالیاتی به وجود می‌آید. درخور ذکر است که برگ قطعی مالیاتی نیز معمولاً پس از گذشت یک سال از ارائه اظهارنامه مالیاتی صادر می‌شود.

در هر حال، با توجه به موارد پیشگفته، به منظور جلوگیری از اتلاف منابع و کاهش توان شرکتهای یادشده و سالم‌سازی مجاری وصول مالیات و رفع پیچیدگیهای موجود، بازنگری نسبت به قوانین و مقررات مورد اشاره از سوی تنظیم‌کنندگان آن ضروری است.

قوانین مالیاتی موجود
در خصوص اشخاص حقوقی
دچار دوگانگی یا
بعضاً چندگانگی شده است

